

نرته / نارد^۱

سالار رضازاده

واژه نرته، در حدود جست‌وجوی نگارنده، جز در نزهت‌نامه شاهد دیگری ندارد و در فرهنگ‌های فارسی ضبط نشده است. در ذیل فرهنگ‌های فارسی واژه نرته را با قید ظاهراً، با نشانه پرسش در جایگاه آوانگاری به معنی «نوعی حشره» با چند شاهد از نزهت‌نامه آورده‌اند (رواقی و میرشمسی ۱۳۸۱، ص ۳۳۹ و ۵۴۳). بعضی از شاهد‌های نرته در نزهت‌نامه چنین است: هرکه خواهد که در رمه شپش و نرته نیفتد و پاک شود قلقند در سرکه کنند و بر رمه فشانند (شهمردان، ص ۸۸).

چون نگذارد که چوب مهار در بینی اش کنند، نرته‌ای چند از او بگیرند، او را خوش آید و رها کنند (همو، ص ۹۵).
دور کردن شپش و نرته: ژپوه در روغن بنفشه نهند و بر کبوتر مالند؛ نرته و شپش همه بیفتد (همو، ص ۱۴۹).

نرته به احتمال قوی گونه دیگری از نارد (nārd) است.^۲ واژه نارد به معنی «حشره‌ای که به بدن می‌چسبد و خون می‌مکد، گنه» در مقدمه‌الادب و البلغه معادل فراد و طلیح، و در المصادر

۱. از دکتر مسعود قاسمی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی) و دکتر چنگیز مولایی (دانشگاه تبریز) که این نوشته را قبل از چاپ خواندند و نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند از بن جان سپاسگزارم. خطاهای احتمالی این یادداشت برعهده نویسنده است.
۲. احتمال اینکه نرته از یکی از گویش‌های فارسی میانه وارد فارسی دری شده باشد بعید نیست، ولی اصل واژه با نارد از یک ریشه است.

(الحلم: نارد خورده شدن ادیم؛ التقرید: نارد از شتر بازچیدن) به معنی «نوعی کنه» آمده است (← قاسمی ۱۳۸۴، ص ۵۱).

در برهان قاطع واژه‌های نارد nārad و نرده nārda به معنای «کنه. جانوری است که بر حیوانات چسبد و خون بمکد» ضبط شده است (برهان قاطع، ۱۳۹۳). نارد به معنی «کنه» و نرته به معنی «نوعی حشره» با شواهدی از مقدمه‌الادب، نزهت‌نامه، السامی، المصادر و تاج‌المصادر در ذیل فرهنگ‌های فارسی (رواقی و میرشمسی، ص ۳۳۵، ۳۳۹، ۵۴۱ و ۵۴۳) ضبط شده است. نارد / نارت به معنی «نوعی کنه» هنوز در گویش سبزوار (محتشم ۱۳۷۵، ص ۱۱۴) و نرگ (narg) به معنی «یک نوع کنه مخصوص شتر به اندازه یک لوبیا که به عقب شتر می‌چسبد و از خون حیوان تغذیه می‌کند» در گویش تربت حیدریه (خزاعی ۱۳۹۵، ص ۷۷۳) رایج است. حسن دوست نیز جزء اول واژه فارسی نارون به معنی «نام درختی است معروف، سده، شجرة البق؛ [...] قس. پارتی: [nārwan] n'rw'n «نارون» [= فارسی: «نازوان» (جهانگیری ۱۳۹۱/۵)] را با نارد و نرده قیاس کرده است (حسن دوست ۱۳۹۳، شماره ۴۹۸۲).

به نظر نگارنده، واژه‌های نارد و نرته را باید با واژه -anāiritay اوستایی به معنی «حشره‌ای که روی بدن سگ زندگی می‌کند» (Bartholome 1961, col. 124) مرتبط دانست که فقط یک بار در وندیداد فرگرد ۱۴ بند ۱۷ به کار رفته است.

در زند وندیداد (ترجمه فارسی میانه وندیداد) در ترجمه -anāiritay اوستایی (Jamasp 1907, p. 505)، anārd به همان معنی «کنه» آمده است. آندرس تولدو واژه را anard-ast خوانده و معنایی برای آن نداده است^۱ (Andrés-Toledo 2016, p. 317). معظمی نیز واژه را an-ard خوانده و «بیماری (مربوط به سگ)» ترجمه کرده است (Moazami 2014, p. 354-355).

منابع

برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۹۳)، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، امیرکبیر، تهران.
حسن دوست، محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
خزاعی، محمدحیدر (۱۳۹۵)، واژگان گویشی، فرهنگ‌نامه مصور واژه‌ها، اصطلاحات، باورها، چیستان‌ها و لالایی‌های تربت حیدریه، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه.

۱. آندرس تولدو واژه اوستایی -anāiriti- را «یک (نوع) انگل» دانسته است (ibid, p. 340).

رواقی، علی و مریم میرشمسی (۱۳۸۱)، ذیل فرهنگ‌های فارسی، با همکاری مریم میرشمسی، هرمس، تهران.
شهمردان‌بن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، زهت‌نامه‌ی علایی، تصحیح فرهنگ جهان‌پور، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات
فرهنگی، تهران.

قاسمی، مسعود (۱۳۸۴)، «ذیلی بر ذیل فرهنگ‌های فارسی (بخش نخست)»، نشر دانش، سال ۲۱، شماره ۲،
صفحه‌های ۴۰-۵۳.

محتشم، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ‌نامه‌ی بومی سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار.

Andrés-Toledo, M., Á. (2016), *The Zoroastrian Law to Expel the Demons: Wīdēwdād 10-15*,
Wiesbaden.

Bartholome. C., *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, 1961.

Jamasp, D . H. (1907), *Vendidād, Avesta Text with Pahlavi Translation and Commentary and
Glossarial Index*, Vol 1, Bombay.

Moazami, M. (2014), *Wrestling with Demons of the Pahlavi Wīdēwdād*, Leiden.

